

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد حیدر اختر

۲۴ اپریل ۲۰۱۷

بس است، واقعیت ها را پنهان نکنید! چند سخن در باره «دیدار آشنا»

زمانی که "حزب دموکراتیک خلق افغانستان"، با کودتای ننگین هفت ثور بر اریکه قدرت نشست، از همان آغاز خط فاصل و قرمز بین خود و مردم افغانستان کشیدند و شعار دادند:

«هرکه باماست از ماست و کسی که با ما نیست دشمن ماست.»

یعنی از همان زمان در مقابل مردم افغانستان که مخالف ایدئولوژی و طرز حکومتداری و از همه مهمتر به وجود آمدن فضای خفقانزائی که در سراسر کشور به وجود آمده بود، بودند؛ موضع گرفته به بگیر و ببند و بکش آغاز کردند. یکی را به نام اخوانی، دیگری را به اسم شعله ئی و یا ستمی و دیگری را به نام... گرفتند، بردند و کشتند که شاهد این ادعا پیدا شدن قبرهای دسته جمعی در گوشه و کنار افغانستان، پر شدن زندان های افغانستان به خصوص زندان پلچرخی، وانتشار لست ۱۲ هزار از قربانیانی می باشد که توسط دستگاه های جاسوسی اکسا، کام و بعد ها خاد و واد به شهادت رسانیده شده اند.

این یک واقعیت است و کسی نمی تواند آن را نادیده گرفته و یا این که با کلمات و جملات و لشمی زبان از آن منکر شود. من نمی خواهم در این یادداشت مختصر از جور و جفائی که کودتا گران هفت ثور در حق مردم ما روا داشته اند یاد آوری نمایم، بلکه می خواهم بگویم که بعضی از اعضای "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" هنوز هم لاف کار، صداقت، وطن دوستی را به سینه می کوبند. به گونه مثال: تعدادی از کارمندان سابق رادیو تلویزیون افغانستان برای بار دوم در شهر فرانکفورت کشور المان به نام (دیدار آشنا) که بهتر می بود (دیدار رفقاء) نام گذاری می کردند، باهم دید و بازدید داشته و یاد و خاطره های گذشته را تازه نمودند. من تصادفاً فلم قسمت چهارم این تجمع را که توسط "رفیق" "فریدون فرید" ترتیب شده و از طریق فیسبوک انتشار داده است دیدم. در این تجمع تعدادی از همکاران با دکلمه اشعار و مطالب و خاطره هائی که داشتند یادی از گذشته ها نمودند تا این که نوبت به آقای "بشیررویکر" وزیرپیش اطلاعات و کلتور رژیم دست نشانده شوروی سابق رسید. ایشان درگفتار مختصری که داشت روی موضوعاتی تماس گرفت که برای من من حیث یک تن از کارمندان سابق رادیو تلویزیون افغانستان آن چه را با چشم دیده ام تفاوت زیاد دارد.

یک - آقای بشیر رویگراظهار داشت:



« جنگ بین مردم افغانستان نبود، بلکه جنگ بین دو قدرت بزرگ جهانی بود و ما خواسته و نا خواسته درگیر این جریانات شدیم. »

درست است که جنگ بین دو قدرت جهانی بود و این موضوع را تمام مردم افغانستان می دانستند و می دانند . خوب به خاطر دارم که حتا "سرفرازخان" پنجشیری ملازم دفتر ما یک روز دربین شعبه اظهار داشت که یکطرف روس ها

هستند و طرف دیگر امریکا که تنظیم های جهادی را کمک و تقویه می کند، ولی دربین ما سوختیم و واقعیت هم داشت. ولی در همان زمان هیچ گاهی برای مردم افغانستان از طریق نشرات رادیو و تلویزیون ویا جراید و مجلات توسط یکی از اعضای بلند پایه حزب و دولت مطرح نشد، بلکه تا توان داشتند علیه امپریالیزم جهانی شعار می دادند و با افتخار تمام کودتای هفت ثور را انقلاب شکست ناپذیر می خواندند .

دو دیگر- آقای "بشیر رویگر" از دوستی ، صمیمیت و کار برای ترقی وطن توسط کارمندان رادیو و تلویزیون افغانستان یاد آوری نموده اظهار داشت که:

« یک عده مردم گرد هم آمدیم جهت ترقی و پیشرفت وطن ، صرف نظر از عقایدشان و صرف نظر از اندیشه های شان اما یک چیز مشترک بین ما وجود داشت یک عشق به وطن و مردم »

قابل یادآوری است که قبل از کودتای نامیمون هفت ثور گفتار آقای "رویگر" قابل تأیید و پذیرش است. زیرا در آن زمان تمام کارمندان رادیو تلویزیون افغانستان با حوصله مندی ، صداقت و همکاری همه جانبه شبها روزی برای ترقی وطن و مردم فعالیت داشتند. اما آن چه آقای "رویگر" اظهار داشته است، بعد از کودتای ثور از واقعیت به دور است. زیرا همه کارمندان رادیو تلویزیون می دانند که شرایط قسم دیگری درکشور و در رادیو تلویزیون افغانستان که یکی از ارگان های نشراتی دولتی بود رونما گردید کثرت همکاران جدید که توسط دستگاه های اکسا، کام و خاد در رادیو تلویزیون و دردنبال هر کارمند رادیو تلویزیون، خادیسست ها و مخبرین گماشته شد. اعضای "حزب دموکراتیک خلق" به خصوص جاسوسان اکسا، کام و خاد چیزی را به نام دیگر پذیری و دیگر اندیشی و قبول عقاید مخالفان سیاسی نداشتند. پس چه گونه می توان به سخنان آقای "رویگر" صحه گذاشت . اگر اعضای "حزب دموکراتیک خلق افغانستان" واقعاً به اعتقادات مردم و پذیرش مخالفان احترام می گذاشتند، دست به جنایت بگیر و ببند و یکش نمی زدند.

اکثریت کارمندان رادیو تلویزیون خبر دارند که تعداد فراوانی از کارمندان رادیو تلویزیون افغانستان توسط دستگاه های جهنمی اکسا، کام و خاد گرفتار و به شکنجه گاه فرستاده شده ویا به قتل رسیده اند ویا هم سال های متوالی در عقب میله های زندان قرار داشتند . علاقه مندان می توانند اسمای آنعده از کارمندان رادیو تلویزیون افغانستان را که به شهادت رسیده ویا این که زندانی شده بودند در مطلب جدا گانه تحت عنوان (قربانیان استبداد) در صفحه فیسبوک بنده و یا هم در سایت « رنگین » که تحت نظر نگارنده نشرات دارد ، مرور نمایند .

اما گپ مهم برای تمام "رفقاء" خلقی، پرچمی و حالاصد توتۀ جدا شده و پاشان این است که «صرف نظر از عقایدشان و صرف نظر از اندیشه های شان» امکان ندارد. همان عقاید و اندیشه ها بود که قاتل و جانی و شکنجه گر تولید کرد. پس "رفقاء" وقتی در «دیدار آشنا» جمع می شوید، لطف کرده از بعضی چیز ها که دیدار آشنا با آن معروف مشهور شده کم کرده واقعیت ها را بگوئید.

پس در برنامه آینده در باره پولیگون پلچرخ، یک ساعت را اختصاص بدهید. شعر بسرائید و بیت بخوانید. مگر نه به خاطر چند پرچمی که "امین" کشت. برای همه مردم بیچاره. اگر این کار را نکردید، باز چه می گوئید؟ کی شما را آله دست ساخت. پوتین در جنگ با ترمپ؟